

نظر شهروندان درباره ممنوعیت برگزاری کلاس فوق برنامه زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی

آبی که در آسیاب آموزش شگاه‌های خصوصی ریخته می‌شود



امید چندانی به این کلاس‌ها ندارم در هیچ دوره‌ای به یادگیری زبان اهمیت داده نشده‌ای کلاس‌های زبان آزاد حذف کنیم کمتر کسی است که بتواند حتی به صورت ۲۰ درصدی دانشی از آن داشته باشد و از طریق مدرسه این دانش را با دست آورده باشد این کلاس‌ها هم به صورت فوق برنامه آموزشی نهادند و البته که این قانون باید در مدارس دولتی و خصوصی اجرا شود این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

معمولاً در مدارس ابتدایی هم به صورت خصوصی آموزشگاه‌ها وجود دارد و این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

معمولاً در مدارس ابتدایی هم به صورت خصوصی آموزشگاه‌ها وجود دارد و این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

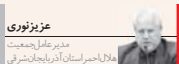
امید چندانی به این کلاس‌ها ندارم در هیچ دوره‌ای به یادگیری زبان اهمیت داده نشده‌ای کلاس‌های زبان آزاد حذف کنیم کمتر کسی است که بتواند حتی به صورت ۲۰ درصدی دانشی از آن داشته باشد و از طریق مدرسه این دانش را با دست آورده باشد این کلاس‌ها هم به صورت فوق برنامه آموزشی نهادند و البته که این قانون باید در مدارس دولتی و خصوصی اجرا شود این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

معمولاً در مدارس ابتدایی هم به صورت خصوصی آموزشگاه‌ها وجود دارد و این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

معمولاً در مدارس ابتدایی هم به صورت خصوصی آموزشگاه‌ها وجود دارد و این ممنوعیت تازه اما یک سوال مهم را پیش روی والدین و همچنین معلمان گذاشته است این که چرا درست زمانی که آموزشگاه‌های زبان انگلیسی به دلیل حسیب‌بیلای متقاضیان، مهربان‌تر و باکیفیت‌تر از دیگر دوره‌ها و کلاس‌ها شده است، ممنوعیت آن در مدارس ابتدایی وضع شده است؟

تجربه مدنی (روایت خاطرات و تجربیات مدیران ارشد هلال احمر)

باید اعتمادها تقویت شود



عزیززوی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی

وقتی اصول هفتگانه جمعیت هلال احمر را مرور می‌کنیم می‌بینیم اساس و بنیان جمعیت هلال احمر بر کار داوطلبانه استوار شده است و منظور از خدمت داوطلبانه خدمت‌های است که توسط اقساط مختلف شهروندان به طرف مختلف در قالب داوطلب به افراد آسیب‌دیده و کمبرخوردار و گرفتار ارایه می‌شود.

حاصلیست کار هلال احمر آنگاه بیشتر می‌شود که باید از یک طرف اعتماد شهروندان داوطلب را جلب کرد و از طرف دیگر اطمینان خاطر اسپیدیدگان را فراهم کند یعنی گروه‌های داوطلب با فرآیند انجام هلال احمر را برای انجام خدمات داوطلبانه خود برگزیده و در طرف دیگر اسپیدیدگان از آنها همان‌دگانه‌ها را دریافت می‌کنند و در مواقع بحرانی هلال احمر را ملجا و پناهگاه خویش ببندند و با دیدن هلال احمری‌ها

وقتی به‌تازگی تشکیل هلال احمر در تبریز اتفاق می‌افتد یعنی پیش از آنکه اسپیدیدگان را برای انجام خدمات داوطلبانه خود برگزیده و در طرف دیگر اسپیدیدگان از آنها همان‌دگانه‌ها را دریافت می‌کنند و در مواقع بحرانی هلال احمر را ملجا و پناهگاه خویش ببندند و با دیدن هلال احمری‌ها

در بدو امر احساس آرامش روحی به ایشان دست ندهد و در مرحله عمل هم از خدمات هلال احمر بهره‌مند شوند. وقتی تا ناخوبه تشکیل هلال احمر در تبریز نگاه می‌کنیم

۹۱ به‌همراه ناجیان و مدبران هلال احمر به یکی از روستاهای دورافتاده و محروم‌المرز تواقع روزقان روستای که نامش روستای اردشیر بود، راه روستا طوری بود که باید از درون



می‌بینیم قبل از تشکیل شیر و خورشید در تبریز خیریه‌های زیادی تشکیل یافته که در آن‌ها مسکن‌های ادعایی دنبال می‌کنند که بعداً در

حاجار و مغواذایی به روستا یک قسمت از راه آری با پای پیاده می‌رفتیم، اهالی روستا حدود ۱۰۰ نفر حاضر شده بودند که با قاطر، چادرها و دستک‌های غازی را به روستا هدایت می‌کردیم. اهالی روستا مشاهده آن همه سلاخ و زحمت ناجیان و روستای هلال احمر شگفت‌زده شده بودند و همه امدادگران را دعا می‌کردند تا این که بعد از حدود آسال در همان روستای اردشیر مابری که در روستا شنیدیم بود، دچار بیماری شدید می‌شود. بالاخره براساس

حساسیت کار هلال احمر آنجا بیشتر می‌شود که باید از یک طرف اسپیدیدگان را برای انجام خدمات داوطلبانه خود برگزیده و در طرف دیگر اسپیدیدگان از آنها همان‌دگانه‌ها را دریافت می‌کنند و در مواقع بحرانی هلال احمر را ملجا و پناهگاه خویش ببندند و با دیدن هلال احمری‌ها

حساسیت کار هلال احمر آنجا بیشتر می‌شود که باید از یک طرف اسپیدیدگان را برای انجام خدمات داوطلبانه خود برگزیده و در طرف دیگر اسپیدیدگان از آنها همان‌دگانه‌ها را دریافت می‌کنند و در مواقع بحرانی هلال احمر را ملجا و پناهگاه خویش ببندند و با دیدن هلال احمری‌ها

حاجار و مغواذایی به روستا یک قسمت از راه آری با پای پیاده می‌رفتیم، اهالی روستا حدود ۱۰۰ نفر حاضر شده بودند که با قاطر، چادرها و دستک‌های غازی را به روستا هدایت می‌کردیم. اهالی روستا مشاهده آن همه سلاخ و زحمت ناجیان و روستای هلال احمر شگفت‌زده شده بودند و همه امدادگران را دعا می‌کردند تا این که بعد از حدود آسال در همان روستای اردشیر مابری که در روستا شنیدیم بود، دچار بیماری شدید می‌شود. بالاخره براساس

حساسیت کار هلال احمر آنجا بیشتر می‌شود که باید از یک طرف اسپیدیدگان را برای انجام خدمات داوطلبانه خود برگزیده و در طرف دیگر اسپیدیدگان از آنها همان‌دگانه‌ها را دریافت می‌کنند و در مواقع بحرانی هلال احمر را ملجا و پناهگاه خویش ببندند و با دیدن هلال احمری‌ها



حاجار و مغواذایی به روستا یک قسمت از راه آری با پای پیاده می‌رفتیم، اهالی روستا حدود ۱۰۰ نفر حاضر شده بودند که با قاطر، چادرها و دستک‌های غازی را به روستا هدایت می‌کردیم. اهالی روستا مشاهده آن همه سلاخ و زحمت ناجیان و روستای هلال احمر شگفت‌زده شده بودند و همه امدادگران را دعا می‌کردند تا این که بعد از حدود آسال در همان روستای اردشیر مابری که در روستا شنیدیم بود، دچار بیماری شدید می‌شود. بالاخره براساس

حاجار و مغواذایی به روستا یک قسمت از راه آری با پای پیاده می‌رفتیم، اهالی روستا حدود ۱۰۰ نفر حاضر شده بودند که با قاطر، چادرها و دستک‌های غازی را به روستا هدایت می‌کردیم. اهالی روستا مشاهده آن همه سلاخ و زحمت ناجیان و روستای هلال احمر شگفت‌زده شده بودند و همه امدادگران را دعا می‌کردند تا این که بعد از حدود آسال در همان روستای اردشیر مابری که در روستا شنیدیم بود، دچار بیماری شدید می‌شود. بالاخره براساس

نیمکت (تجربه آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه)

بچه‌ها از کلاس هوشمند چه می‌گویند؟

رویاهاش | آموزگار

بچه‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

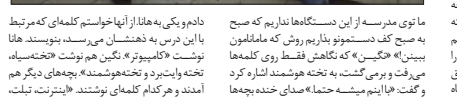
بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»

بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»



بعضی‌ها با کنجکاوی از رویاها می‌پرسد و به‌جمله «هانا» باقی‌مانده که همیشه احساساتشان را چسب و پیوسته می‌بازد و می‌گوید: «تجربه‌ها را با ما در میان بگذار» و یکی به عقب می‌تابد و می‌داند: «گاهی به یکباره روی زمین آرام می‌گردد»